

نقش دانش هیجانی کودک و واکنش مادر به هیجانات مثبت کودک در پیش‌بینی شایستگی اجتماعی

The Role of Child's Emotional Knowledge and Maternal Responses to Positive Emotions in Predicting Social Competence

Saeedeh Javedani Samie

Ph.D Student of Educational Psychology, Department of Counseling and Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Dr. Maryam Bordbar *

Assistant Professor, Department of Counseling and Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

mbordbar@um.ac.ir

سعیده جاودانی سمیعی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

دکتر مریم بردبار (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Abstract

The present study was conducted with the aim of examining the role of children's emotional knowledge and maternal responses to positive emotions in predicting children's social competence. The research employed a descriptive-correlational design. The statistical population included preschool children in the city of Mashhad in the year 1402-1403 (2024), from which a sample of 200 children was selected through convenience sampling. The instruments used in this study included the Social Competence Scale (SCS; Corrigan et al., 2003), Parents' Response to Children's Positive Emotions Scale (PRCPS; Ladouceur et al., 2002), and the Emotion Matching Task (EMT; Izard et al., 2003). Data were analyzed using stepwise regression analysis. The findings indicated that emotion recognition ($\beta = .24, p < .001$), emotion labeling ($\beta = .22, p < .001$), teaching social etiquette ($\beta = .20, p < .001$), encouragement ($\beta = .21, p < .001$), and situational emotion knowledge ($\beta = .13, p < .04$) together explained 33% of the variance in the criterion variable (social competence) ($R^2 = .33$). Among the dimensions of emotional knowledge, emotion matching, and among maternal responses, the dimensions of blame and distress, were not significant predictors of children's social competence ($p > .05$). In light of the findings, children's emotional knowledge and supportive maternal responses play a significant role in explaining children's social competence, whereas blaming maternal responses do not.

Keywords: Social Competence, Emotional Knowledge, Maternal Response to Children's Positive Emotions, Preschool Child.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دانش هیجانی کودک و واکنش مادر به هیجانات مثبت در پیش‌بینی شایستگی اجتماعی کودکان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش، کودکان پیش‌دبستانی شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند که از این میان آنها ۲۰۰ کودک پیش‌دبستانی به روش در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس شایستگی اجتماعی (SCS، کریگان و همکاران، ۲۰۰۳)، مقیاس واکنش‌های والدین به هیجانات مثبت کودکان (PRCPS، لادوسر و همکاران، ۲۰۰۲) و آزمون تطبیق هیجانی (EMT، ایزارد و همکاران، ۲۰۰۳) بود. روش تحلیل این پژوهش، رگرسیون گام به گام بود. یافته‌ها نشان داد در پیش‌بینی شایستگی اجتماعی، تشخیص هیجانات ($\beta = .24, P < .001$)، نامگذاری هیجانات ($\beta = .22, P < .001$)، آموزش آداب اجتماعی ($\beta = .20, P < .001$)، تشویق ($\beta = .21, P < .001$) و دانش موقعیت هیجانی ($\beta = .13, P < .04$)، قادر به تبیین ۳۳ درصد از واریانس متغیر ملاک (شایستگی اجتماعی) هستند ($R^2 = .33$). در میان ابعاد دانش هیجانی، تطبیق حالات هیجانی و در میان واکنش‌های مادر ابعاد سرزنش و ناراحتی قادر به پیش‌بینی شایستگی اجتماعی کودکان نبودند ($P > .05$). با توجه به یافته‌ها، دانش هیجانی کودک و واکنش‌های حمایت‌گر مادر نقش به‌سزایی در تبیین شایستگی اجتماعی کودک دارد اما واکنش‌های سرزنشگر مادر نقشی ندارد.

واژه‌های کلیدی: شایستگی اجتماعی، دانش هیجانی، واکنش مادر به هیجانات مثبت، کودک پیش‌دبستانی.

مقدمه

دوره پیش‌دبستانی به عنوان "دوره حساس" در رشد اجتماعی شناخته می‌شود (سفچی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). در این دوره، مغز کودک دارای انعطاف‌پذیری است و قادر است به سرعت مهارت‌های اجتماعی را بیاموزد و شایستگی اجتماعی خود را ارتقا دهد (کوتنیک و کلول^۲، ۲۰۲۴). شایستگی اجتماعی توانایی درک، حفظ و مدیریت جنبه‌های اجتماعی و هیجانی زندگی است (سفچی و همکاران، ۲۰۲۱). شایستگی اجتماعی برای ایجاد و حفظ روابط مؤثر با دیگران و مشارکت در تعاملات اجتماعی مورد نیاز است و در موفقیت تحصیلی، رضایت از زندگی، سلامت روان و بهزیستی هیجانی نقش دارد (تورک^۳ و همکاران، ۲۰۲۱؛ سفچی و همکاران، ۲۰۲۱). در شکل‌گیری شایستگی اجتماعی هم عوامل فردی نظیر هوش و دانش هیجانی و هم عوامل بافتی چون خانواده و سبک‌های تعامل مادر و کودک مؤثر شناخته شده است (هانگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۲).

دانش هیجانی مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که استفاده سازگارانه کودکان از اطلاعات هیجانی را توصیف می‌کند (جاودانی و همکاران، ۱۴۰۲). دانش هیجانی شامل سه توان‌مندی اساسی است: شناسایی حالات هیجانی، نام‌گذاری حالات هیجانی و نیز فهم علل و پیامد هیجانات (ایزارد^۵ و همکاران، ۲۰۰۳). دانش ابراز هیجانی در خلال دوره پیش‌دبستانی و نسبتاً به شکلی سریع رشد می‌کند. البته این دانش می‌تواند از نوزادی آغاز شود. کودکان نوپا حالات هیجانی پدر و مادرشان را می‌بینند و از برجسب‌های هیجانی در ارتباط با این حالات هیجانی بهره می‌گیرند. بر این اساس کودکان نوپا می‌آموزند که این برجسب‌ها را به حالات چهره بچسبانند که این کار سبب شکل‌گیری توانایی ابراز هیجانات می‌شود. همچنین در دوره پیش‌دبستانی دانش موقعیت هیجانی، یعنی فهم اینکه چگونه موقعیت‌ها، هیجاناتی مثل شادی، غم، خشم و ترس را بر می‌انگیزانند پدیدار می‌شود و پس از آن همچنان در دوران مدرسه رشد می‌کند. کودکان در چهار تا پنج سالگی درباره علل تعدادی از هیجانات اصلی قضاوت درست می‌کنند و همچنین قادر هستند پیش‌بینی کنند که وقتی یکی از همبازی‌هایشان هیجان خاصی را نشان می‌دهد، پس از آن چه کاری خواهد کرد (مورگان^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). دانش هیجانی به عنوان یکی از توانایی‌های پایه شناخته شده و خود باعث تقویت سایر مهارت‌های اجتماعی می‌شود (گال سابو^۷ و همکاران، ۲۰۱۹؛ کولتر^۸ و همکاران، ۲۰۱۹، ولتمر و سالیس^۹، ۲۰۲۲)؛ کودکانی که دانش هیجانی بالایی دارند توانایی بهتری در برقراری ارتباط، حل تعارضات در موقعیت‌های اجتماعی و مشارکت مؤثر در گروه‌های هم‌سال دارند (سادری و یاتس^{۱۰}، ۲۰۲۴). به عبارت دیگر، توانایی فرزندان در شناسایی و تفسیر هیجانات، آن‌ها را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای سازنده در تعاملات اجتماعی شرکت کنند و در نتیجه شایستگی اجتماعی‌شان ارتقا یابد.

از عوامل بافتی مؤثر بر شایستگی اجتماعی، سبک اجتماعی‌سازی هیجان‌های کودک توسط والدین است. مطابق با نظریه‌های اجتماعی‌سازی هیجانی، والدین و محیط‌های آموزشی نقش مهمی در شایستگی اجتماعی کودکان دارند (سانگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹). والدین به سه طریق هیجانات کودک را اجتماعی می‌کنند، ابراز هیجان، گفتگوهای هیجانی و نوع واکنش به هیجانات کودک. اما در این بین، واکنش والدین به هیجانات کودک اهمیت بیشتری دارد (کوثری و اسماعیلی نسب، ۱۳۹۷؛ بریکس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۲). دو سبک اصلی در اجتماعی‌سازی هیجانی وجود دارد، سبک حمایت‌گری هیجانی و سرکوب‌گری هیجانی. والدینی که سبک حمایت‌گری هیجانی دارند، از عواطف خود و فرزندانشان آگاه هستند، عواطف فرزندانشان را فرصت‌هایی برای ارتقای شایستگی هیجانی آنها می‌دانند و از موقعیت‌های هیجانی به طور سازنده استفاده می‌کنند. در مقابل، والدینی که سرکوب‌گری هیجانی را پیشه می‌کنند، از هیجانات فرزندانشان آگاه نیستند و به عواطف ابراز شده با نادیده گرفتن، کم اهمیت جلوه دادن یا مخالفت با آنها، واکنش منفی نشان می‌دهند (کنته^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۹).

1. Çiftçi

2. Kutnick and Colwell

3. Tuerk

4. Huang

5. Izard

6. Morgan

7. Gal-Szabo

8. Qualter

9. Vollmer & Salisch

10. Sadri & Yates

11. Song

12. Breaux

13. Conte

کودکانی که والدینشان از سبک حمایت‌گری هیجانی استفاده می‌کنند نسبت به کودکانی که والدینشان سبک سرکوب‌گری هیجانی دارند، دانش هیجانی و تنظیم هیجانی پیشرفته‌تر، سازگاری اجتماعی بیشتر، روابط مثبت با همسالان، و به طور کلی شایستگی اجتماعی بالاتری نشان می‌دهند (ژو^۱ و همکاران، ۲۰۲۵؛ رولو^۲ و همکاران، ۲۰۲۴؛ سان^۳ و همکاران، ۲۰۲۱؛ اورناگی^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). هیجانات را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به هیجانات مثبت (شادی، اشتیاق، افتخار، شگفتی و...) و هیجانات منفی (خشم، غم، نفرت، شرم و...) تقسیم کرد (هووا و شافسما^۵، ۲۰۱۸)، واکنش مادر به هیجانات مثبت به اندازه واکنش به هیجانات منفی مؤثر خواهد بود (استرن^۶ و همکاران، ۲۰۲۳؛ لاهاتا و همکاران^۷، ۲۰۲۴)، چرا که هیجانات مثبت می‌تواند به خودپنداره‌های مثبت مانند شایستگی منجر شود. هیجانات مثبت، به عنوان مؤلفه‌های بهزیستی روانی، عموماً با شادی، لذت و رضایت مشخص می‌شوند که نشان‌دهنده بهزیستی روانی کلی فرد است. هیجانات مثبت به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا روابط بین فردی را سازماندهی کنند و مشکلات مربوط به گروه را حل کنند و باعث ایجاد سرزندگی می‌شود (هانگ و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال در مطالعات گذشته تمرکز بر واکنش مادر به هیجانات منفی کودک بوده است (سان و همکاران، ۲۰۲۱؛ تامپسون^۸ و همکاران، ۲۰۲۰؛ شریفی اردانی و خرمایی، ۱۴۰۱) و تأثیر واکنش به هیجانات مثبت کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و این نیاز احساس می‌شود که تأثیر این مورد خاص بر شایستگی اجتماعی کودک مورد بررسی قرار گیرد. شایستگی اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی رشد مطلوب در کودکان بر کیفیت روابط، موفقیت تحصیلی و سلامت روانی آن‌ها تأثیرگذار است. از جمله عوامل مؤثر بر رشد این شایستگی، دانش هیجانی کودک و شیوه‌های والدگری به‌ویژه نحوه واکنش مادر به هیجانات کودک است. در حالی که پژوهش‌های متعددی بر نقش هیجانات منفی تمرکز داشته‌اند، نقش هیجانات مثبت کودک و واکنش مادر به آن‌ها در رشد اجتماعی کودک، به‌ویژه در زمینه پیش‌بینی شایستگی اجتماعی، کمتر بررسی شده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش دانش هیجانی کودک و واکنش مادر به هیجانات مثبت در پیش‌بینی شایستگی اجتماعی طراحی شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در توسعه برنامه‌های ارتقای شایستگی اجتماعی کودکان کاربرد مؤثری داشته باشد، به‌ویژه از طریق تمرکز بر آموزش والدین در زمینه شیوه‌های حمایت‌گرانه واکنش به هیجانات مثبت کودک و تقویت توانمندی‌های هیجانی خود کودک. در شرایطی که بخش عمده‌ای از مداخلات تربیتی و پژوهش‌های هیجانی بر هیجانات منفی و پیامدهای آن‌ها تمرکز دارند، توجه به هیجانات مثبت و نقش آن‌ها در رشد اجتماعی می‌تواند نگاهی نو به ظرفیت‌های رشد و تاب‌آوری کودکان ارائه دهد. همچنین، نتایج این مطالعه می‌تواند در طراحی مداخلات پیشگیرانه در محیط‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی و هیجانی کودکان مورد استفاده قرار گیرد و به درک بهتر تعامل پیچیده میان عوامل فردی (دانش هیجانی کودک) و محیطی (رفتار والدین) در رشد اجتماعی منجر شود. با توجه به ضرورت ارتقای شایستگی اجتماعی جهت تعاملات مؤثر کودکان، بررسی عوامل فردی و بافتی مؤثر بر آن ناگزیر است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش دانش هیجانی و واکنش مادر به هیجانات مثبت در پیش‌بینی شایستگی اجتماعی کودکان بود.

روش

روش این پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، کودکان پیش‌دبستانی ناحیه ۴ و ۶ و ۷ شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، مادران و مربیانشان بودند. بر اساس پیشنهاد گرین^۹ (۱۹۹۱) حجم نمونه برای انجام پژوهش‌های رگرسیونی به تعداد ۵۰ به علاوه ۸ برابر متغیرهای مستقل برآورد می‌شود، بر این اساس حداقل حجم نمونه در پژوهش حاضر ۸ متغیر مستقل (دو متغیر هر کدام با ۴ زیر مقیاس) ۱۱۴ نفر است. در پژوهش حاضر جهت احراز کفایت آماری ۲۰۰ نفر به روش در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود در این پژوهش، اشتغال به تحصیل در مقطع پیش‌دبستانی، عدم اختلال جدی روان‌پزشکی (بر اساس پرونده سلامت در مهد کودک) و رضایت کامل والدین برای شرکت در پژوهش بود و معیار خروج عدم رضایت برای شرکت در پژوهش و عدم پاسخگویی به بیش از ۵ درصد سوالات پرسشنامه بود. ملاحظات اخلاقی این پژوهش شامل اختیاری بودن در مشارکت و تکمیل پرسشنامه‌ها، اصل رازداری و محرمانه نگهداشتن اطلاعات دانش‌آموزان بود. سپس از کودکان آزمون تطبیق هیجانی گرفته

1. Zhu
 2. Rolo
 3. Sun
 4. Omaghi
 5. Huwaë & Schaafsma
 6. Stern
 7. Lahtela
 8. Thompson
 9. Green

شد و مادران آنها به پرسشنامه نوع واکنش به هیجانات مثبت کودک پاسخ دادند و مربیان پرسشنامه شایستگی اجتماعی را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ و آزمون همبستگی و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

مقیاس شایستگی اجتماعی^۱ (SCS): این مقیاس توسط کریگان^۲ (۲۰۰۳) ساخته شد و از هشت گویه تشکیل شده که میزان شایستگی رفتار کودک را در ارتباط با همسالان خود می‌سنجد. مربی بر اساس موافقت خود با هر گویه، نمره ای در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای به او می‌دهد. کریگان، ضریب آلفای کرونباخ را برای این مقیاس ۰/۹۴ گزارش کرده است و همبستگی این مقیاس با مقیاس تنظیم هیجانی، مثبت و معنادار ($r=0/74$) و با پرخاشگری کلامی-بدنی منفی و معنادار ($r=-0/58$) گزارش شده است (کریگان، ۲۰۰۳). در ایران، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد و روایی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بررسی شد، همچنین همبستگی مثبت و معنادار این مقیاس با مقیاس نظریه ذهن ($r=0/51$) نشان از روایی همگرا داشت (بردبار و شیخ الاسلام، ۱۳۹۳). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۱ بود.

مقیاس واکنش‌های والدین به هیجانات مثبت کودکان^۳ (PRCPS): این مقیاس توسط لادوسر^۴ و همکاران در سال ۲۰۰۲ ساخته شد و شامل ۱۲ موقعیت است که در آن کودک دارای هیجان مثبت است و برای هر موقعیت ۴ نوع واکنش پیشنهاد داده است. والدین باید واکنش‌ها را با توجه به احتمال انجام آن از ۱ تا ۷ نمره‌گذاری کنند. این ۴ نوع واکنش شامل تشویق، آموزش رفتار اجتماعی، سرزنش و ناراحتی است که به دو دسته واکنش‌های سرکوب‌گری (سرزنش و ناراحتی) و حمایت‌گری (تشویق و آموزش آداب اجتماعی) تقسیم می‌شود. پایایی بازآزمایی نسخه اصلی بعد از شش هفته ۰/۶۰ تا ۰/۷۹ گزارش شد، هم‌چنین آلفای کرونباخ در زیر مقیاس‌های آموزش رفتار اجتماعی ۰/۷۱، تشویق ۰/۷۲، سرزنش ۰/۷۴ و ناراحتی ۰/۸۰ گزارش شد. روایی سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد و ۴ زیرمقیاس استخراج شد (لادوسر و همکاران، ۲۰۰۲). در ایران نیز آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها از ۰/۷۳ تا ۰/۸۳ به دست آمد. همبستگی این پرسشنامه با تنظیم شناختی هیجان مادران نتایج نشان داد که زیر مقیاس‌های حمایت‌گرایانه با زیر مقیاس‌های مثبت تنظیم شناختی هیجان رابطه داشت ($r=0/22$) و زیرمقیاس‌های غیرحمایت‌گرایانه با زیرمقیاس‌های منفی تنظیم شناختی هیجان رابطه داشت ($r=-0/20$) (کوثری و اسماعیلی نسب، ۱۳۹۷). آلفای کرونباخ در این پژوهش برای واکنش‌های حمایت‌گرا ۰/۷۱ و برای واکنش‌های سرکوب‌گرایانه ۰/۸۳ به دست آمد.

آزمون تطبیق هیجان^۵ (EMT): این آزمون توسط ایزارد و همکاران در سال ۲۰۰۳ ساخته شد. این آزمون به صورت دیداری و با استفاده از تصویر چهره‌های هیجانی ساخته شده و شامل چهار بخش است. هر بخش ۱۲ تکلیف دارد که آزمودنی باید به آنها پاسخ دهد. چهاربخش عبارتند از: یک) تطبیق حالات هیجانی: در این بخش از کودک خواسته می‌شود چهره‌هایی که هیجان مشابه دارند را با هم تطبیق دهد. دو) دانش موقعیت هیجانی: در این بخش یک موقعیت برانگیزاننده هیجان در قالب یک جمله برای کودک بیان می‌شود و همزمان چهارتصویر در یک صفحه به او نشان داده می‌شود، کودک باید تشخیص دهد هیجان منتج از آن موقعیت، با کدام تصویر تطبیق دارد. سه) نام‌گذاری هیجانات: در این بخش کودک باید هیجان هر تصویر را با گفتن نام آن هیجان بیان کند. چهار) تشخیص هیجانات: در این بخش آزمونگر یک هیجان را نام می‌برد و کودک باید بتواند تصویر منطبق بر آن را نشان دهد. از این ابزار یک نمره کلی و همچنین چهار نمره در هر یک از چهار بخش به دست می‌آید. در نسخه اصلی همبستگی آزمون دانش هیجانی با آزمون دانش عاطفی دهم بررسی شد و مقدار آن ۰/۷۵ گزارش شده است (ایزارد و همکاران، ۲۰۰۳) همچنین میزان آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۸۶ گزارش شد (مورگان و همکاران، ۲۰۱۰). در ایران نیز در مطالعه حصارسرخ و همکاران (۱۳۹۵)، ضریب پایایی بازآزمایی بعد از یک هفته ۰/۷۹ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمده است. در این پژوهش روایی همگرا از طریق بررسی همبستگی دانش هیجانی با شایستگی اجتماعی ۰/۵۰ گزارش شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمد.

4. Social Competence Scale

2. Corrigan

6. Parents' Reactions to Children's Positive Emotions Scale

4. Ladouceur

1. Emotion matching test

یافته ها

توصیف جمعیت شناختی نشان داد که ۱۰۳ نفر (۵۱/۵ درصد) از شرکت کنندگان را دختران و ۹۷ نفر (۴۸/۵ درصد) را پسران تشکیل دادند. ۳۸/۵ درصد شرکت کنندگان پنج سال سن داشتند، ۳۳/۵ درصد شش سال، ۲۱ درصد چهار سال و ۷ درصد سه سال سن داشتند. میانگین سن کودکان ۴/۹۷ و انحراف معیار آن ۰/۹۱ بود. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرها

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	۱. تطبیق حالات هیجانی
								۱	۰/۳۷**	۲. دانش موقعیت هیجانی
							۱	۰/۲۴**	۰/۲۵**	۳. نامگذاری هیجان‌ات
						۱	۰/۳۹**	۰/۳۹**	۰/۴۶**	۴. تشخیص هیجان‌ات
					۱	۰/۷۰**	۰/۸۳**	۰/۶۱**	۰/۶۳**	۵. نمره کل دانش هیجانی
				۱	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۱۱	-۰/۰۵	۰/۰۳	۶. تشویق
			۱	۰/۰۴	۰/۱۶*	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۳	۷. آموزش آداب اجتماعی
		۱	۰/۰۱	-۰/۴۶**	-۰/۱۱	-۰/۱۲	-۰/۱۱	-۰/۰۹	۰/۰۷	۸. سرزنش
	۱	۰/۷۱**	۰/۰۴	-۰/۵۸**	-۰/۱۳	-۰/۱۶*	-۰/۱۲	-۰/۰۶	-۰/۰۴	۹. ناراحتی
۱	-۰/۲۴**	-۰/۲۵**	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۵۰**	۰/۴۲**	۰/۳۹**	۰/۲۹**	۰/۳۱**	۱۰. شایستگی اجتماعی
۳۲/۹۸	۳۰/۴۲	۳۰/۲۵	۶۲/۵۹	۶۰/۹۵	۴۳/۶۴	۹/۹۵	۱۶/۸۳	۸/۱۱	۸/۷۴	میانگین
۴/۷۵	۱۰/۲۲	۱۰/۰۱	۱۰/۲۸	۹/۷۸	۷/۲۷	۱/۷۳	۴/۴۰	۱/۹۷	۱/۹۲	انحراف معیار
-۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۶	-۰/۲۲	-۰/۱۸	-۰/۴۸	-۰/۶۰	-۰/۴۴	-۰/۴۱	-۰/۲۴	کجی
-۰/۴۸	-۰/۵۲	-۰/۴۹	-۰/۵۰	-۰/۲۹	-۰/۶۹	-۰/۶۵	-۰/۴۱	-۰/۲۵	-۰/۸۰	کشیدگی
**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵										

جدول ۱ نشان دهنده آن است که ابعاد و نمره کل دانش هیجانی و واکنش مادر به صورت تشویق و آموزش آداب اجتماعی با شایستگی اجتماعی کودکان رابطه مثبت و معناداری دارد. رابطه سرزنش و ناراحتی با شایستگی اجتماعی منفی و معنی دار است ($P<۰/۰۱$). در بررسی مفروضات تحلیل رگرسیون چندگانه، شاخص‌های کجی ± ۲ (ویتاکر و شوماخر^۱، ۲۰۲۲) و کشیدگی ± ۷ (وست^۲ و همکاران، ۱۹۹۵) نشان دهنده نرمال بودن تک متغیره بود. در بررسی نرمال بودن چند متغیره، پس از محاسبه مقادیر باقیمانده‌های استاندارد شده، توزیع باقیمانده‌ها با آزمون کالموگروف-اسمیرنوف یکراهِه مورد بررسی قرار گرفت. بزرگتر بودن سطح معناداری آزمون از $P>۰/۰۵$ نشان از نرمال بودن توزیع متغیرها دارد (میرز^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج نشان داد که توزیع باقیمانده‌ها نرمال است ($P>۰/۰۵$). در بررسی عدم همخطی چندگانه شاخص تحمل^۴ متغیرهای پیش بین از ۰/۷۵ تا ۰/۹۷ و تورم واریانس^۵ از ۱/۰۳ تا ۱/۳۶ در تغییر بود و در سطح مطلوبی قرار داشت. برای بررسی مفروضه استقلال خطاها از آماره دوربین-واتسون^۶ استفاده شد. کوتر^۷ و همکاران (۲۰۰۴) بر این باورند که ضرایب بین ۱/۵ تا ۲/۵ این آماره نشان از استقلال خطاها دارند. این ضریب در این پژوهش ضریب ۱/۹۳ به دست آمد. نمودار پراکنش^۸ نیز نشان داد که فرض یکسانی واریانس^۹ محقق شده است. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۲ آورده شده است.

1. Whittaker, & Schumacker
2. West
3. Meyers
4. Tolerance
5. Variance inflation factor (VIF)
6. Durbin-Watson
7. Kutner
8. Scatter Plot
9. Heteroscedasticity

جدول ۲. نتایج رگرسیون شایستگی اجتماعی بر حسب دانش هیجانی و واکنش مادر

مدل	متغیرهای پیش‌بین	خلاصه مدل رگرسیون				ضرایب رگرسیون			
		R	R2	R2Adj	F	ΔR	ΔF	b	SE
۱	تشخیص هیجانات	۰/۴۲	۰/۱۷	۰/۱۷	۴۱/۳۲**	۰/۱۷	۴۱/۳۲**	۱/۱۴	۰/۱۸
	تشخیص هیجانات	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۲۳	۲۹/۸۹**	۰/۰۶	۱۵/۴۵**	۰/۸۶	۰/۱۸
	نامگذاری هیجانات							۰/۲۹	۰/۰۷
	تشخیص هیجانات							۰/۸۲	۰/۱۸
	نامگذاری هیجانات	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۲۷	۲۵/۱۳**	۰/۰۵	۱۲/۲۱**	۰/۲۷	۰/۰۷
۲	آموزش آداب اجتماعی							۰/۱۰	۰/۰۳
	تشخیص هیجانات							۰/۷۸	۰/۱۸
	نامگذاری هیجانات	۰/۵۶	۰/۳۲	۰/۳۰	۲۲/۳۷**	۰/۰۴	۱۰/۴۵**	۰/۲۵	۰/۰۷
	آموزش آداب اجتماعی							۰/۱۰	۰/۰۳
	تشویق							۰/۰۹	۰/۰۳
۳	تشخیص هیجانات							۰/۶۵	۰/۱۸
	نامگذاری هیجانات							۰/۲۳	۰/۰۷
	آموزش آداب اجتماعی	۰/۵۷	۰/۳۳	۰/۳۱	۱۹/۰۵**	۰/۰۲	۴/۲۶*	۰/۰۹	۰/۰۳
	تشویق							۰/۱۰	۰/۰۳
	دانش موقعیت هیجانی							۰/۳۲	۰/۱۶

کودک در تشخیص هیجانات چهره‌ای مشابه- در پیش‌بینی شایستگی اجتماعی معنادار نبود. در تبیین این یافته می‌توان به این موضوع اشاره کرد که این جنبه از دانش هیجانی تا حدی جنبه‌ی ادراکی و تمیز دیداری دارد و برخلاف تشخیص هیجان یا دانش موقعیت هیجان، مستقیماً در تعاملات اجتماعی نقش ندارد و به نوعی زیربنایی برای رشد سایر ابعاد دانش هیجانی است و بنابراین اثرات آن به صورت غیرمستقیم است (ایزارد و همکاران، ۲۰۰۳).

در زمینه نقش پیش‌بینی‌کننده واکنش‌های مادر به هیجانات مثبت کودک، یافته‌ها نشان داد واکنش مادر به صورت تشویق و آموزش آداب اجتماعی (حمایت‌گری) با شایستگی اجتماعی کودکان رابطه مثبت و معناداری دارد و واکنش مادر به صورت سرزنش و ناراحتی (سرکوب‌گری) منفی و معنی دار است، همچنین واکنش‌های حمایت‌گر مادر قادر به تبیین شایستگی اجتماعی کودک بودند. این یافته همسو با پژوهش‌های سان و همکاران (۲۰۲۱)، تامپسون و همکاران (۲۰۲۰)، شریفی اردانی و خرمایی (۱۴۰۱) و اورناگی و همکاران (۲۰۱۹) بود، که سبک تعامل مادر و کودک و به خصوص نحوه اجتماعی‌سازی هیجانات توسط والدین را در شکل‌گیری توانایی تنظیم هیجان و شایستگی اجتماعی آنان مؤثر می‌داند، این نیز به نوبه خود باعث رفتارهای اجتماعی مؤثرتر و نهایتاً شایستگی اجتماعی می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه‌های اجتماعی‌سازی هیجانی اشاره کرد (سانگ و همکاران، ۲۰۱۹). بر این اساس نوع واکنش‌های والدین، در تفسیر کودک از احساسات خودش و به دنبال آن در تنظیم هیجان و رفتار اجتماعی او مؤثر است (ژو و همکاران، ۲۰۲۵؛ رولو و همکاران، ۲۰۲۴؛ سان و همکاران، ۲۰۲۱؛ اورناگی و همکاران، ۲۰۱۹)، به عنوان مثال کودکی که پس از دریافت جایزه در مدرسه با خوشحالی به خانه می‌آید و همراه با فریاد کشیدن احساس خوشحالی خود را بروز می‌دهد، در صورتی که مادر به حرفه‌ای او گوش داده و با پرسیدن سؤالهایی، او را تشویق به گفتن جزئیات بیشتری کند به کودک کمک کرده تا به احساساتش اعتماد کند و با ابراز هیجان به تنظیم هیجانات او نیز کمک می‌کند. دانش هیجانی و تنظیم هیجان به نوبه خود به کودک کمک می‌کند رفتاری جامعه‌پسند داشته باشد، چیزی که تحت عنوان شایستگی اجتماعی مطرح می‌شود (سادری و یاتس، ۲۰۲۴).

از دیگر سو، یافته‌های پژوهش نشان داد واکنش‌های سرکوب‌گراییانه (ناراحتی و سرزنش) قادر به تبیین شایستگی اجتماعی نبود. این نتیجه ممکن است به این دلیل باشد که در فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند ایران، تاحدی ابراز هیجانات مثبت سرکوب می‌شود، چرا که ابراز بیش از اندازه هیجانات را مخالف همدلی با دیگران و ناپسند می‌دانند و این مساله به شکل یک هنجار مثبت و به علت ارزش‌های جمعی درک می‌شود (هوا و شافسما، ۲۰۱۸)، از این رو کودک رفتار سرکوب‌گراییانه مادر را به عنوان آموزش آداب اجتماعی تلقی می‌کند و نه به عنوان طرد و سرکوب، به این ترتیب به نظر می‌رسد زمینه فرهنگی می‌تواند تأثیر منفی واکنش مادر را تعدیل کند.

در مجموع یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این است که متغیرهای پژوهش قادر به تبیین ۳۳ درصد از واریانس متغیر ملاک (شایستگی اجتماعی کودک) هستند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راه‌گشای برنامه‌ریزان تربیتی باشد تا زمینه تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان را فراهم آورند. از جهت کاربردی نیز توجه به یافته‌های پژوهش حاضر بسیار سودمند است، در این راستا مشاوران و روانشناسان می‌توانند کارگاه‌های آموزشی جهت آگاه‌سازی والدین از اهمیت تعاملات روزمره و چگونگی واکنش صحیح به هیجانات کودک را برگزار کنند. این پژوهش با وجود یافته‌های قابل توجه، با چند محدودیت روبه‌روست که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. نخست، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. همچنین، سنجش واکنش‌های مادر تنها از طریق پرسشنامه خودگزارشی انجام شده که می‌تواند تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی قرار گیرد. از سوی دیگر، برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند خلق‌وخوی کودک، سبک‌های فرزندپروری و وضعیت اقتصادی-اجتماعی در تحلیل کنترل نشده‌اند. همچنین، به دلیل مقطعی بودن طرح پژوهش، امکان تبیین روابط علی وجود ندارد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از نمونه‌گیری تصادفی در مناطق گوناگون، استفاده از منابع چندگانه داده (مانند مشاهده یا گزارش مربیان)، و طراحی مطالعات طولی یا مدل‌های ساختاری، به بررسی دقیق‌تر این متغیرها بپردازند. همچنین، به منظور ارتقای شایستگی اجتماعی کودکان، طراحی برنامه‌های آموزشی برای والدین و مربیان با هدف تقویت واکنش‌های هیجانی حمایت‌گر، مانند تشویق و آموزش آداب اجتماعی، و نیز آموزش مهارت‌های شناخت و نام‌گذاری هیجانات به کودکان، می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

منابع

- بردبار، م.، و شیخ الاسلامی، ر. (۱۳۹۳). درون‌داد حالت‌های ذهنی مادر و رفتار اجتماعی کودک: نقش واسطه‌ای نظریه ذهن. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۱ (۴۲)، ۱۲۳-۱۳۳.
- https://jip.stb.iau.ir/article_511118_597df69b43034b5e01e7165096ac5e44.pdf
- جاودانی سمیعی، س.، بردبار، م.، و امین یزدی، س.ا. (۱۴۰۲). ارتقاء نظریه‌ذهن و دانش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی: متناسب‌سازی و بررسی اثربخشی بسته آموزش واسطه‌گری مادران مبتنی بر رویکرد تحول یکپارچه انسان. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۵ (۲)، ۲۸۶-۲۶۵. [10.22099/jsli.2024.7401](https://doi.org/10.22099/jsli.2024.7401)
- حصارسرخ، ر.، طبیبی، ز.، اصغری نکاح، س. م.، و باقری، ن. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش شایستگی هیجانی بر افزایش دانش هیجانی، تنظیم هیجانی و کاهش پرخاشگری کودکان بی سرپرست و بد سرپرست. *روانشناسی بالینی*، ۳ (۳۱)، ۳۱.
- شریفی اردانی، ع.، و خرمائی، ف. (۱۴۰۱). رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگی والدین با مهارت‌های اجتماعی فرزندان: نقش واسطه‌ای سبک‌های والدین در برخورد با هیجانات منفی کودکان. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۲ (۴۵)، ۱۲۱-۱۴۲. <https://doi.org/10.22034/spr.2022.313182.1697>
- کوثری، ف.، و اسماعیلی نسب، م. (۱۳۹۷). هنجاریابی مقدماتی مقیاس واکنش‌های والدین به هیجانات مثبت کودکان. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۶ (۳۱)، ۲۳۷-۲۲۵. <https://sid.ir/paper/208623/fa>
- Breaux, R., Lewis, J., Cash, A. R., Shroff, D. M., Burkhouse, K. L., & Kujawa, A. (2022). Parent emotion socialization and positive emotions in child and adolescent clinical samples: A systematic review and call to action. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 25(1), 204-221. <https://doi.org/10.1007/s10567-022-00388-2>
- Çiftçi, H. D., Ceylan, R., & Çolak, F. G. (2021). The relationship between preschool children's social competence skills and their ability to communicate with their mothers. *Participatory Educational Research*, 8(2), 435-459. <http://dx.doi.org/10.17275/per.21.48.8.2>
- Conte, E., Ornaghi, V., Grazzani, I., Pepe, A., & Cavioni, V. (2019). Emotion knowledge, theory of mind, and language in young children: Testing a comprehensive conceptual model. *Frontiers in Psychology*, 10, 2144. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02144>
- Corrigan, A. (2003). *Social Competence Scale-Teacher Version*. Fast Track Project Technical Report. <http://www.fasttrackproject.org>
- Gal-Szabo, D. E., Spinrad, T. L., Eisenberg, N., & Sulik, M. J. (2019). The relations of children's emotion knowledge to their observed social play and reticent/uninvolved behavior in preschool: Moderation by effortful control. *Social Development*, 28(1), 57-73. <https://doi.org/10.1111/sode.12321>
- Green, S. B. (1991). How many subjects does it take to do a regression analysis? *Multivariate Behavioral Research*, 26(3), 499-510. https://doi.org/10.1207/s15327906mbr2603_7
- Huwaë, S., & Schaafsma, J. (2018). Cross-cultural differences in emotion suppression in everyday interactions. *International Journal of Psychology*, 53(3), 176-183. <https://doi.org/10.1002/ijop.12283>
- Izard, C. E., Haskins, F. W., Schultz, D., Trentacosta, C. J., & King, K. A. (2003). *Emotion matching test*. Unpublished test, Human Emotions Lab, Department of Psychology, University of Delaware, Delaware, USA
- Kutner, M. H., Nachtsheim, C. J., Neter, J., & Li, W. (2004). Applied Linear Statistical Models. In *Applied Linear Statistical Models* (pp. 1396-1396). <http://hdl.handle.net/123456789/10363>
- Kutnick, P., & Colwell, J. (2024). Promoting social competence and social inclusion in the preschool: a peer-based relational intervention. *Early Child Development and Care*, 194(11-12), 1212-1229. <https://doi.org/10.1080/03004430.2024.2412639>
- Ladouceur, C., Reid, L., & Jacques, A. (2002). Construction et validation du Questionnaire sur les réactions parentales aux émotions positives exprimées par l'enfant. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 34(1), 8.
- Lahtela, H., Flykt, M., Nölvi, S., Kataja, E. L., Eskola, E., Tervahartiala, K., ... & Korja, R. (2024). Mother–Infant Interaction and Maternal Postnatal Psychological Distress Associate with Child's Social-Emotional Development During Early Childhood: A FinnBrain Birth Cohort Study. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-16. <https://doi.org/10.1007/s10578-024-01694-2>
- Li, J., Huang, Z., Si, W., & Shao, T. (2022). The effects of physical activity on positive emotions in children and adolescents: a systematic review and meta-analysis. *International journal of environmental research and public health*, 19(21), 14185. <https://doi.org/10.3390/ijerph192114185>
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2013). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. Sage publications. URL: <https://psycnet.apa.org/record/2013-39233-000>
- Morgan, J. K., Izard, C. E., & King, K. A. (2010). Construct validity of the emotion matching task: Preliminary evidence for convergent and criterion validity of a new emotion knowledge measure for young children. *Social Development*, 19(1), 52-70. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2008.00529.x>

- Ornaghi, V., Pepe, A., Agliati, A., & Grazzani, I. (2019). The contribution of emotion knowledge, language ability, and maternal emotion socialization style to explaining toddlers' emotion regulation. *Social Development*, 28(3), 581-598. <https://doi.org/10.1111/sode.12351>
- Qualter, P., Urquijo, I., Henzi, P., Barrett, L., & Humphrey, N. (2019). Ability emotional intelligence and children's behaviour in the playground. *Social Development*, 28(2), 430-448. <https://doi.org/10.1111/sode.12340>
- Rolo, C., Diniz, E., Babore, A., & Brandão, T. (2024). Mothers' Responses to Children's Emotions and Children's Behavior: The Mediating Role of Children's Emotion Regulation. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 14(7), 1940-1952. <https://doi.org/10.3390/ejihpe14070129>
- Sadri, A., & Yates, T. M. (2024). Maternal support in preschool and child behavior problems: The mediating role of childhood emotion knowledge. *Developmental Psychology*, 61(4), 665-678. <https://doi.org/10.1037/dev0001859>
- Song, Q., Yang, Y., Doan, S. N., & Wang, Q. (2019). Savoring or dampening? Maternal reactions to children's positive emotions in cultural contexts. *Culture and Brain*, 7, 172-189. <https://doi.org/10.1007/s40167-019-00080-3>
- Stern, J. A., Kelsey, C. M., Krol, K. M., & Grossmann, T. (2023). Maternal recognition of positive emotion predicts sensitive parenting in infancy. *Emotion*, 23(5), 1506. <https://doi.org/10.1037/emo0001125>
- Sun, Y., Lam, C. B., & Chung, K. K. H. (2021). Associations between maternal reactions to child negative emotions and child social competence: A longitudinal study. *Journal of family psychology*, 35(5), 671. <https://doi.org/10.1037/fam0000693>
- Thompson, S. F., Zalewski, M., Kiff, C. J., Moran, L., Cortes, R., & Lengua, L. J. (2020). An empirical test of the model of socialization of emotion: Maternal and child contributors to preschoolers' emotion knowledge and adjustment. *Developmental psychology*, 56(3), 418. <https://doi.org/10.1037/dev0000860>
- Tuerk, C., Anderson, V., Bernier, A., & Beauchamp, M. H. (2021). Social competence in early childhood: An empirical validation of the SOCIAL model. *Journal of Neuropsychology*, 15(3), 477-499. <https://doi.org/10.1111/inp.12230>
- Voltmer, K., & Von Salisch, M. (2022). The Adaptive Test of Emotion Knowledge for 3-to 9-Year-Olds: Psychometric Properties and Validity. *Frontiers in Psychiatry*, 13. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2022.901304>
- West, S. G., Finch, J. F., & Curran, P. J. (1995). Structural equation models with nonnormal variables: Problems and remedies. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications* (56-75). Sage Publications, Inc. <https://psycnet.apa.org/record/1995-97753-004>
- Whittaker, T. A., & Schumacker, R. E. (2022). *A beginner's guide to structural equation modeling*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003044017>
- Zhu, D., Lozada, F. T., Smith, C. L., Bell, M. A., & Dunsmore, J. C. (2025). Maternal Emotion Coaching and Child Emotion Regulation: Within-Interaction Sequences in Early Childhood. *Affective Science*, 1-10. <https://doi.org/10.1007/s42761-024-00285-7>

